



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

امروز می خواهم با شما در مورد **سعادت مند شدن به وسیله دشمنان تان** صحبت کنم.

همه ما می دانیم که خداوند می تواند ما را سعادت مند کند.

او می تواند به ما لطفش را نشان دهد، ما را ترفیع بدهد، شفا بدهد اما ما همیشه متوجه نمی

شویم که خداوند **می تواند از دشمنان ما استفاده کند** تا ما را سعادت مند کند.

چیزی که شما فکر می کنید ممکن است ناامید کننده باشد، مثلاً شخصی که می رود، دوستی

که به شما خیانت می کند، همکاری که سعی دارد شما را خراب کند، شاید شما این را دوست

نداشته باشید اما شما **بدون آنها نمی توانید به سرنوشت تان** برسید.

همه ی این ها **بخشی از نقشه ی خداوند** است تا شما را به جایی که باید باشید برساند.

اگر به خاطر جالوت نبود، حضرت «داوود» فقط به عنوان پسر چوپان شناخته می شد. جالوت

به طور استراتژیکی در مسیر حضرت «داوود» قرار گرفت، نه برای شکست دادن او، بلکه برای

ارتقاء بخشیدن به او. بدون جالوت، حضرت «داوود» هرگز به تخت پادشاهی نمی رسید.

به خاطر دشمنان تان شکایت نکنید. به نظر یک مانع می رسد، اما در حقیقت آن **یک مقدمه ای**

است برای خداوند تا شما را به تخت پادشاهی تان برساند.

در هر حال، خداوند می تواند از پادشاه سالت استفاده کند تا حضرت «داوود» را ترقی بخشد.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

سالت قدرت داشت، خداوند می توانست به قلب سالت نفوذ کند و به او بگوید که آن مرد جوان را ارتقاء بده اما خداوند انتخاب کرد که حضرت داوود را نه از طریق دوستانش سعادتمند کند بلکه توسط دشمنانش این کار را کند.

به همین خاطر است که ما نباید دیگران را به بازی بگیریم، سعی کنیم که آنها را متقاعد کنیم تا از ما خوششان بیاید، امیدوار باشیم آنها برای ما موقعیت مناسبی فراهم کنند... نه! خداوند مجبور نیست از دوستان تان استفاده کند، او می تواند از دشمنان تان استفاده کند. از منتقدان تان، کسانی که سعی دارند شما را پایین بکشند، او می تواند از آنها استفاده کند تا **شما را بالا** بکشد.

جالب است، وقتی که حضرت «داوود»، جالوت را شکست داد شما دیگر چیزی در مورد جالوت نشنیده اید. جالوت برای هدف حضرت «داوود» خلق شده بود. بخشی از سرنوشت او این بود که معین کند حضرت «داوود» چه کسی است.

دقیقاً به همین صورت خداوند ارتباطات الهی را برای شما به صف کرده است. افرادی برای **تشویق** شما، برای **هل دادن شما به سمت جلو**. او همچنین افرادی را به صف کرده است که سعی دارند شما را متوقف کنند، شما را دلسرد کنند، سعی کنند تا شما را بد جلوه دهند.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

آنها جالوت هایی هستند که مقدر شده اند تا در مسیر شما قرار بگیرند و اگر این اصل را درک نکنید، ناامید می شوید و می گوئید: خدایا چرا این اتفاق داره برای من می افته؟

آن مخالفت برای متوقف کردن شما نیست، بلکه برای **منصب کردن شما در جایگاهی جدید** است. وقتی که از عهده ی آن برآمدید نه تنها قدم به **مرحله ی جدیدی از سرنوشت تان** گذاشته-اید، بلکه همه اطرافیان شما خواهند دید که لطف و رحمت خداوند در زندگی شما وجود دارد. در سال ۲۰۰۲، ما خبری شنیدیم که تیم بسکتبال هیوستون راکتس از این ساختمان نقل مکان می کند و شهرداری به فکر فروش آن است. ما به یک سالن کنفرانس بزرگ احتیاج داشتیم، وقتی که من این خبر را شنیدم چیزی در درونم زنده شد، من می دانستم که اینجا قرار است مال ما شود.

این خبر در شهر پخش شد که ما به این ساختمان علاقه مند هستیم. انواع مذاکره ها باید برای این ساختمان اتفاق می افتاد.

یکی از دوستان من در کار راه اندازی کسب و کار است، با چند نفر از مقام های اجرایی قدرتمند جلسه گذاشت. یکی از این مقام های اجرایی که آدم بانفوذی بود، متوجه شد که دوست من به «لیکوود» رسیدگی می کند.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

او شروع به صحبت کردن در مورد مرکز کامپکت کرد، و در مورد اینکه چقدر با ما مخالف است، در مورد اینکه این کار چقدر اتفاق وحشتناکی برای این شهر است و اینکه هرگز یک کلیسا نباید چنین ساختمانی داشته باشد. بعضی افراد دیگر پای میز به او ملحق شدند به ما خندیدند و ما را مسخره کردند و در مورد این صحبت کردند که لیکوود هیچ شانسی برای بدست آوردن آن ندارد.

در نهایت، آن مقام اجرایی به دوست من نگاه کرد و با طعنه گفت صدسال سیاه اگر «لیکوود» این ساختمان را بگیرد. دوستم با من تماس گرفت و در مورد آن گفتگو به من گفت.

گفتم: بابت خبر خوشحال کننده ات ممنونم، بابت این دلگرمی ممنونم.

اما واقعیت این است که آن گفتگو توسط خداوند مقدر شده بود. او یکی از جالوت ها بود که خداوند به طور استراتژیکی در مسیر ما قرار داده بود.

وقتی من شنیدم که او چقدر با ما مخالف است، از قبل مصمم بودم اما چیزی درونم شکوفا شده که من یک عزم الهی پیدا کنم، من یک آتش و عزم جدید داشتم.

هروقت که اوضاع سخت می شود اینطور به نظر می رسد که به بن بست رسیده ایم و من وسوسه می شوم که ناامید شوم، این عبارت را می شنوم: صدسال سیاه. آنگاه دوباره اشتیاقم را بدست می آورم. فقط 0 ثانیه برای من طول می کشد.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

گاهی اوقات خداوند یک دشمن در زندگی شما قرار می دهد تا شما را هوشیار نگه دارد. او به منتقدان، شکاکان و ناامیدکنندگان و حتی بعضی از بدخواهان اجازه می دهد تا وقتی که خسته شدید و فکر می کنید که می خواهید تسلیم شوید، مجبور بشوید **رو به جلو حرکت کنید** و **مقاومت کنید**. نه به خاطر این که شما از این شرایط خوشتان می آید بلکه به خاطر اینکه شما نمی خواهید به دشمنان تان **لذت دیدن شکست خودتان** را بدهید. نه برای خشنودی و نه از روی تکبر، بلکه این **یک عزم الهی و مقدس** است.

خداوند از **منفی ها** استفاده می کند تا ما را سرحال و آماده ی شروع نگه دارد. آن مدیر کسب و کار که خیلی بر علیه ما است، او این را متوجه نشد اما خداوند از او **بیشتر از دوستانم** استفاده کرد.

در گرفتن این ساختمان، او یکی از افراد سودمند برای ما بود. نکته جالب و خنده دار این است که **او با ما نبود، بلکه بر علیه ما** بود. خداوند از دشمنان ما برای سعادت مند کردن ما استفاده می کند.

اگر روزی آن مرد را ببینم او را به شام دعوت می کنم، شاید برایش «مک دونالد» بخرم. من احساس می کنم که باید برای بعضی از دشمنانم چکی بنویسم، اگر آنها بر علیه من نبودند من آنقدر سخت و زیاد دعا نمی کردم. اگر آنها با من خوب بودند، من خیلی زودتر تسلیم می



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

شدم. اگر آنها به من نگفته بودند که من نمی توانم این کار را بکنم و چیزی که لازم است را ندارم، شاید از خودراضی و تن پرور می شدم و همان جایی که بودم، می ماندم. این **مخالفت** آنها بود که من را به جلو حرکت داد.

خیلی اوقات خداوند از دشمنان شما بیشتر از دوستان تان استفاده می کند تا شما را به سمت **موفقیت** پرتاب کند.

حضرت «داوود» می گوید خداوند در حضور دشمنانم، یک میز در مقابل من فراهم می کند. توجه کنید وقتی خداوند به شما ارمغانی به واسطه ی مخالفت ها می دهد، او این کار را به دور از چشم دیگران انجام نمی دهد، او این کار را **در مقابل تمام دشمنان** شما انجام می دهد تا آنها ببینند.

این ساختمان در دومین خیابان شلوغ این ایالت قرار دارد. وقتی در این شهر رانندگی می کنید خیلی طول نمی کشد که ببینید خداوند برای ما چه کار کرده است. آن مرد بر علیه ما بود. من فقط می توانم تصور کنم که هربار او از اینجا می گذرد چیزی در گوشش می گوید امروز باید سردترین روز در جهنم باشد، چون آنها اینجا هستند.

شاید شما امروز با بعضی از دشمنان تان روبه رو شوید، نه فقط افراد، بلکه حتی دشمن سلامتی تان، دشمن امور مالی تان، دشمن روابط تان. به نظر می رسد که هیچوقت قرار نیست اوضاع



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

درست بشود، در این مواقع این **دیدگاه جدید** را داشته باشید، خداوند همین الان یک میز در مقابل شما فراهم می کند، فرشته ها دارند از اجاق غذا را بیرون می آورند، جبرئیل آخرین نکات تکمیلی خودش را در آن غذا قرار داده است، هر لحظه ممکن است شما صدای زنگ «**غذا حاضر است**» را بشنوید. خداوند می گوید: **حالا نوبت تو است**، این میز و آن غذایی است که من برای تو آماده کرده ام. از آن غذاهای فوری نیست که در یک گوشه مخفی شده و هیچکس متوجه آنها نمی شود. بدانید که خداوند میزی برای شما فراهم می کند همانند میزی که برای حضرت داوود فراهم کرد، همانطور که برای ما فراهم می کند. جایی که نه تنها دوستان شما آن را می بینند بلکه دشمنان شما هم آن را می بینند.

افراد شکاک، ناامید کننده و آنهایی که می گفتند نمی توانی انجامش دهی، آنها می بینند که شما سعادتمنده شده، پیشرفت کرده و حمایت شده هستید و با افتخار به رؤیاهایتان رسیده-اید.

در یک صحنه، خداوند از «یهودا» بیشتر از شاگردان و مریدان استفاده کرد، یهودا مقرر شده بود تا به «مسیح» خیانت کند. هدف او این بود که تلاش کند تا «مسیح» را متوقف کند و این فقط ایده ی او نبود، بلکه نقشه ی خداوند بود.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

در آن زمان مثل یک شکست بد به نظر می آمد اما اگر او به «مسیح» خیانت نکرده بود آنگاه هیچ به صلیب کشیده شدنی در کار نبود و بدون صلیب، هیچ رستاخیزی در کار نبود و بدون رستاخیز هیچ رستگاری و نجاتی نداشتیم.

ما «مریم مقدس» مادر «مسیح» را تجلیل می کنیم که بچه را در آخور به دنیا آورد. ما «جان» را تجلیل می کنیم که «مسیح» را غسل تعمید کرد کبوتری که از بهشت آمده بود. اما مردی که به «مسیح» خیانت کرده بود کسی که او را به خاطر ۳۰ سکه نقره فروخت، سهمی بسیار بحرانی و حیاتی در سرنوشت «مسیح» داشت البته اگر سهمی بیشتر از بقیه نداشته باشد.

منظور من چیست؟

به خاطر کسی که به شما خیانت کرده، شکایت نکنید

اگر آنها به شما خیانت کردند، آنها شما را عقب نگه نداشتند

بلکه شما را برای رسیدن به سرنوشت تان آماده کرده اند

اگر آنها در مورد شما دروغ گفته اند و سعی کرده اند که شما را پایین بکشند و شما را نادیده بگیرند شاید منصفانه نباشد، اما اگر خداوند اجازه این کار را داده است پس خوب می داند که از آن چگونه به نفع شما استفاده کند.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

چه میشد اگر «مسیح» ناراحت می شد؟ و میگفت: خدایا من بنده ی تو هستم چطور اجازه دادی این مرد به من خیانت کند؟ او یکی از شاگردان من بود...

نه! «مسیح» می دانست که «یهودا» به او خیانت خواهد کرد، اما او سعی نکرد که او را متوقف کند. او سعی نکرد که با او صحبت کند و او را منصرف سازد. او می دانست که خیانت او **بخشی از سرنوشت الهی** است و خیلی اوقات ما با اتفاقاتی که به میل ما پیش نمی روند، مبارزه می کنیم، ناراحت می شویم و می گوییم: خدایا چرا این اتفاق افتاد؟

هرچه بیشتر زندگی می کنم، بیشتر می فهمم که هیچ چیزی اتفاقی رخ نمی دهد، حتی مخالفت ها، اگر شما همواره **نگرش و طرز تفکر صحیح** داشته باشید، خداوند از آن به نفع شما استفاده خواهد کرد.

یکبار داشتم با یک کشیش شناخته شده صحبت می کردم بیش از پنجاه سال در جهان گشته بود و کارهای خوب زیادی انجام داده بود. اکثر مردم قدردان او بودند اما در زادگاه او، روزنامه های محلی هرگز همراه او نبودند. همیشه به دنبال اشتباه بودند. او هزاران کار خوب انجام داده بود، ولی آنها این را گزارش نمی کردند.

آنها چیزی که دوست نداشتند را پیدا می کردند و یک مسئله بزرگ از آن می ساختند. سال ها به همین صورت گذشت. او **دیدگاه جالبی** داشت. او گفت: اگر به خاطر آن روزنامه نبود



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

من هرگز آنقدر کار انجام نمی دادم.

پیش خودم فکر کردم که **منظورش چیست؟**

او گفت آن روزنامه نه تنها باعث شد که من روی پاهای خودم بایستم، بلکه به من انرژی داد تا به جلو پیش رفتن ادامه دهم و به آنها ثابت کنم که اشتباه می کنند.

به دنبال این رفت که یک دانشگاه زیبا در آن شهر بسازد، ده ها هزار جوان در آن شرکت کردند. در اواخر عمرش وقتی که تقریباً کارش تمام شده بود، ناگهان تمام روزنامه ها نظرشان را عوض کردند و بزرگ در تیتیر صفحه ی اول نوشتند و از تمام کارهایی که انجام داده بود تقدیر کردند. اینطور به نظر می رسید که خداوند بنا به هدفی منتظر مانده بود، خداوند می دانست که آن دشمن حتی اگر دوستم از او خوشش نمی آمد، داشت او را بهتر می کرد، داشت او را سرپا نگه می داشت، او را **مصمم تر و انعطاف پذیرتر** می کرد.

بیشتر چیزهایی که ما خوشمان نمی آید و از خدا می خواهیم که ما را از شر آن خلاص کند اگر خداوند آنها را همین الان از بین ببرد ما به بالاترین پتانسیل هایمان نمی رسیم، آن مخالفت شما را قوی تر می کند، آن افراد تلاش می کنند تا شما را متوقف کنند، به شما خیانت کنند و شما را ناامید کنند. آنها نمی توانند شما را از سرنوشت تان دور کنند، خداوند حرف آخر را می زند. اگر او هنوز آن را از بین نبرده است به این معناست که می خواهد از آن به نفع شما



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

استفاده کند.

او به طور استراتژیکی جالوت و یهودا و مخالفان را قرار داده بود. بدون جالوت شما نمی توانید به پادشاهی برسید. بدون یهودا شما نمی توانید به بالاترین پتانسیل هایتان برسید. بدون مخالفان شما تبدیل به آنچه که برای آن خلق شده اید، نمی شوید.

در کتاب «لوقا» داستان آشنایی وجود دارد. چهار مرد یک مرد فلج را پیش «مسیح» بردند تا او را ببیند وقتی به آنجا رسیدند خیلی شلوغ بود. مجبور شدند او را به روی پشت بام ببرند و از سقف به داخل بفرستند. در یک لحظه «مسیح» به مرد فلج گفت: گناهان تو بخشیده شدند! بعضی از رهبران دینی دلخور شدند. آنها شروع به غرغر کردن، کردند. زیر لب می گفتند: او فکر می کند که کی هست؟ این مرد نمی تواند گناهان را ببخشد فقط خداوند می تواند این کار را بکند. کتاب مقدس می گوید: «مسیح» غرغر کردن آنها را شنید.

آنها سعی کردند که این کار را آرام انجام دهند، زیر لب بگویند اما «مسیح» شنید که آنها چه می گویند. او به مرد گفت: کدام یک برای من آسانتر است؟

اینکه بگویم گناهان تو بخشیده شد؟ یا این که بگویم بلند شو و بسترت را بردار و راه برو؟ برای اینکه به آنها ثابت کند که او پسر خداوند است به آن مرد گفت که بایستد. آن مرد، کاملاً سالم ایستاد.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

من مطمئنم که آن مخالفان وقتی دیدند که آن مرد ایستاده است تقریباً از حال رفتند. نکته ی من این است که اگر آنها غرغر نکرده بودند، اعتراض نکرده بودند، انتقاد و عیب جویی نکرده بودند، آن مرد شاید شفا پیدا نمی کرد. مسیح می توانست فقط گناهان او را ببخشد و بگذرد اما به خاطر غرغر کردن آنها، مسیح آن مرد را شفا داد. پس وقتی که مردم در مورد شما صحبت می کنند، سعی می کنند تا شما را خراب کنند. سعی می کنند شما را پایین بکشند، نگران نباشید خداوند حرف آنها را می شنود، آنها شما را در موقعیتی قرار می دهند تا خداوند شما را به روش بهتری سعادتمند کند. شما مجبور نیستید آنها را به راه راست هدایت کنید.

در جنگی شرکت نکنید که اهمیت ندارد.

در آرامش بمانید و مثل این مرد خداوند از دشمنان تان استفاده خواهد کرد تا شما را سعادتمند کند.

برخی از لطف و رحمت هایی که می بینید، برخی از اتفاق های خوبی که برایتان می افتد، آنها بخاطر شما نیست، بلکه آنها به خاطر آن افرادی اتفاق افتاده اند که سعی کردند شما را متوقف کنند. آنها شما را در جایگاهی برای پیشرفت کردن قرار دادند.

من همیشه به خاطر دوستانم از خداوند سپاسگزارم اما من یاد گرفتم که از خداوند به خاطر



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

دشمنانم هم سپاسگزار باشم.

بدون غرغر کردن، آن مرد شاید شفا پیدا نمی کرد. بدون جالوت، حضرت «داوود» هرگز به تخت پادشاهی اش نمی رسید، بدون یهودا، «مسیح» هرگز از قبر زنده نمی شد.

شما باید تمام دشمنان و همینطور تمام ناامیدی ها و خیانت ها را با این **نگرش جدید** ببینید: آنها فرستاده نشده اند تا **شما را شکست** دهند، بلکه آنها فرستاده شده اند تا باعث **رشد و پیشرفت شما** شوند.

یکی از دوستان من بیرون در لابی به من گفت چند سال پیش کسب و کارش به پوچی رسید. او فکر نمی کرد که بتواند نجات پیدا کند. بدتر از آن، یکی از رقبای اصلی او در رادیو به صورت زشت و نامطلوبی در مورد او صحبت کرده بود و به شدت از او انتقاد کرده بود. در این مورد صحبت کرده بود که چطور از هم پاشیده است و به این خاطر است که کسب و کار او زمین خورده است. به نظر آخرین ضربه می آمد تا او را پایین بکشد اما دقیقاً برعکس اتفاق افتاد.

وقتی که آنها به او اشاره کردند توجه جدیدی به کسب و کار او جلب شد، مشتری های جدیدی از ناکجا، شروع به تماس گرفتن کردند. کسب و کار او شروع به رشد کردن و پیشرفت کرد و امروز قویتر از همیشه است. در واقع او از رقبایی که تلاش کردند او را پایین بکشند، پیشی



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

گرفت.

منظور من چیست؟

خداوند می تواند از مخالفان شما برای رشد و پیشرفت شما استفاده کند. خداوند همه نوع روشی برای رساندن شما به جایی که باید باشید، دارد. او می داند که چگونه از آنچه که به معنای آسیب رساندن به شما بود، برای منفعت شما استفاده کند.

در اوایل ۱۹۰۰، کشاورزان در «آلاباما» با یک چالش بزرگ روبرو شدند. یک حشره ی کوچک به نام سوسکچه ی غوزه از جنوب آمریکا به آنجا مهاجرت کرده بود و حالا داشت به سرعت محصولات آنها را نابود می کرد. آنها هرکاری برای متوقف کردن آن کردند، آنها را سم پاشی کردند، از هر نوع ماده ی شیمیایی استفاده کردند. حتی به یک فرمول خاص رسیدند که باز هم فایده ای نداشت.

در نهایت تنها کاری که می توانستند کنند این بود که بنشینند و تماشا کنند که روزی شان خورده می شود. روزی کشاورزی ایده ای به سرش زد. او به دوستان کشاورزش گفت به جای کاشتن محصول پنبه ی طبیعی مان، چرا بادام زمینی را امتحان نکنیم؟

آنها طوری به او نگاه کردند که انگار عقلش را از دست داده است: بادام زمینی؟ ما که نمی توانیم با بادام زمینی زندگی کنیم.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت
و رشد شما هستند

به مرور زمان آنها را متقاعد کرد، آنها فهمیدند که سوسکچه ی غوزه طعم بادام زمینی را دوست ندارد.

آنها محصولشان را طوری برداشت کردند که انگار هیچوقت چنین چیزی ندیده بودند. آنها در عرض چندماه پول بیشتری از بادام زمینی درآوردند نسبت به اینکه تمام سال را محصول پنبه طبیعی خودشان را بکارند.

در واقع وقتی که آن حشره نیز رفت، آنها هیچوقت دوباره سراغ کشت پنبه نرفتند، به همان بادام زمینی چسبیدند.

دوستان، خداوند به **روش مرموز و مبهمی** عمل می کند. شاید شما هم اکنون با بحران مواجه شده باشید، دلگرمی من برای شما این است که **با ایمان بمانید**، بادام زمینی در راه است. چیزی که شما فکر می کنید **مانع یا شکست** است، درواقع **کار خداوند** است تا شما را برای انجام کاری جدید آماده کند.

به خاطر همکاری که با شما بدرفتاری می کند اعتراض نکنید، چیزی که جواب نداده، می دانید آن چه بود؟ یک سوسکچه ی غوزه.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

چیزی که به نظر برای نابودی شما بود، اما درواقع خداوند قرار است از آن استفاده کند تا شما را به مرحله ی بعدی ببرد.

آن فرد در سرکار که همیشه سعی دارد شما را پایین بکشد و همیشه سعی می کند تا شما بد به نظر برسید.

وقتی او را این هفته دیدید، **نگرش و رفتار جدیدی** داشته باشید، بگویید: تو فقط یک سوسکچه غوزه هستی. تو داری تلاش می کنی تا من را متوقف کنی، اما من یک راز را می دانم. خداوند از تو استفاده خواهد کرد تا **من را به جلو حرکت دهد**.

کتاب مقدس می گوید خداوند دشمنان شما را تبدیل به **چهارپایه ای** برای شما می کند. به این معنی که هرچیزی که بر علیه شما اتفاق افتاد مثل اذیت، خیانت و ناامیدی، **اگر با ایمان بمانید** به جای اینکه یک مانعی برای لغزش شما باشد و شما را پایین بکشد خداوند از آنها به عنوان یک سنگ زیرپا استفاده می کند تا شما را بالا ببرد.

وقتی که ده سالم بود در لیگ کودکان بیسبال بازی می کردم، من خیلی کم رشد کرده بودم درواقع مردم من را بادام زمینی صدا می زدند. من همیشه کوچکترین فرد تیم بودم. وسط یک بازی مهم بودم. جایگاه ها همه پر بود و همه داشتن تماشا می کردند.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

من به جایگاه ضربه با چوب رفتم. وقتی که مربی تیم حریف دید که من چقدر کوچک هستم از جایگاه بیرون آمد و خارج از زمین شروع به سر و صدا کردن و فریاد کشیدن سر بازیکنانش کرد و می گفت بیایید نزدیک تر، بیایید نزدیک تر!

او داشت جفت دستش را تکان می داد و این صحنه ی بزرگ را ایجاد می کرد و شاید می گفت: این بچه یک بازنده است. ببینید او چقدر کوچک است، او نمی تواند ضربه بزند، تمام جایگاه ها داشتند تماشا می کردند. من آنجا خیلی خجالت زده ایستاده بودم، دوست داشتم قایم شوم. تمام آن تیم کاملاً وارد زمین ما شده بودند، هیچکسی پشت خط نبود.

تمام چیزی که فکر می کردم این بود که حتماً آن مربی، قبلاً بازی برادرم «پائول» را دیده است. اما وقتی که این مسئله را دیدم چیزی درون من ایجاد شد، من با خودم فکر کردم او نمی داند من چه کسی هستم، او که **در من زندگی ندمیده** است، او **سرنوشت من** را مشخص نمی کند من **بنده ی خداوند بلندمرتبه** هستم من به کمک خداوند **هرکاری می توانم بکنم**.

زننده، توپ را پرتاب کرد. شاید من کوچک بودم ولی طوری چرخیدم که انگار ۳۰۰ سانتی متر قد داشتم. هرچه توان داشتم استفاده کردم، خداوند به من کمک کرد تا کاملاً با آن توپ برخورد کنم و آن را کاملاً پشت سرشان بیاندازم.

دو تا جهش داشت و پشت فنس ها افتاد و هیچ کس پشت خط نبود، خودم تنها بودم. این



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

چیزی هست که می خواهم بگویم بار بعدی که رفتم تا با چوب ضربه بزنم مربی آنها باز هم مثل قبل با همان هیاهو و اشتیاق بیرون آمد، اما این بار او فریاد زد بیایید عقب، بیایید عقب! به همین صورت، شما فکر می کنید که دشمنان شما بر علیه تان می آیند، چیزهایی مثل این به شما می گویند که تو هرگز خوب نمی شوی، تو هرگز اعتیاد را ترک نمی کنی، تو نمی توانی رؤیاهایت را عملی کنی، تو خیلی کوچک هستی، تو چیزی را که لازم است نداری.

شما هم می توانید این دروغ ها را باور کنید و اجازه دهید با شما در حد متوسط صحبت کنند یا می توانید همان کاری را که من در ده سالگی انجام دادم بکنید و بگویید نه! من اینطور فکر نمی کنم، تو محدودیت برای زندگی من تعیین نمی کنی، تو سرنوشت من را مشخص نمی کنی تو به من نفس نمی دهی شاید کوچک به نظر برسم، اما من می دانم که پر از **قدرت قیام و رستاخیزی** هستم.

روح مشابهی که «مسیح» را از مرگ بیدار کرد درون ما نیز وجود دارد.

وقتی اینگونه با ایمان برخیزید آن دشمنان شما را شکست نمی دهند، بلکه آنها شما را **ارتقاء** می بخشند.

اگر این کار را چندبار انجام دهید آنگاه به نیروهایش می گوید: عقب بکشید، عقب بکشید.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

آنها قوی تر از آنچه که به نظر می رسند، هستند. با آنها در نیفتید، آنها به «لیکوود» می روند! آنها می دانند که به شدت مورد لطف و رحمت هستند، آنها می دانند که پیروز هستند، نه قربانی. کتاب مقدس می گوید: توسط دشمنان تان ترسانده نشوید، با آنچه که کسی می گوید دچار ترس نشوید. با گزارش های منفی پزشکی نترسید. شما و خداوند، بزرگ هستید. وقتی که «مسیح» از قبر بیرون آمد کلیدهای مرگ را در جهنم انداخت. او گفت تمام قدرت های زمین و بهشت به من داده شده است و حالا این قدرت را به شما می دهم. شما ضعیف نیستید، شما کمبود ندارید، شما پر از قدرت «من می توانم انجام دهم» هستید. **بزرگترین نیرو در جهان درون شما است.**

وقتی که اسرائیل در بردگی بود فرعون ناراحت شد و تصمیم گرفت بر آنها سخت تر بگیرد. او به سرپرست ها گفت که مصالح آنها را دور بریزند، اما آنها را مجبور کنند که همان تعداد آجر را مثل قبل بسازند، آنها شن و کاه آنها را دور ریختند. حالا آنها باید می رفتند و مصالح شان را خودشان پیدا می کردند و دو برابر سخت تر کار می کردند.

این خیلی غیرمنصفانه است، اما چیز جالبی اتفاق افتاد. کتاب مقدس می گوید: هرچه بیشتر «فرعون» آنها را آزار می داد اسرائیلی ها چندبرابر می شدند. فرعون فکر می کرد که دارد آنها



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

را متوقف می کند اما در حقیقت او داشت آنها را افزایش می داد.

گاهی اوقات وقتی که خداوند می خواهد شما را ارتقاء دهد اتفاق خوبی را برای شما نمی فرستد. او یک دشمن را برای شما می فرستد، او «فرعون» را فرا می خواند. یک سرپرست که کار را سخت می گیرد و کارها را مشکل تر می کند، اما نگران نباشید. هرچه **مخالف بیشتر** باشد، **شما بیشتر رشد** می کنید.

حقیقت این است که **در زمان های سخت رشد** می کنیم. آن موقع است که شخصیت ما شکل می گیرد. آن موقع است که استعدادهایمان را کشف می کنیم، اعتماد به نفس و شجاعتی که هرگز نمی دانستیم آنها را داریم و فرعون وقتی که مصالح آنها را دور ریخت سعی داشت که مردم را محدود و محصور نگه دارد، سعی داشت آنها را له کند و آنها را تحت فشار قرار دهد. تا به حال ماشین تان را در خانه شسته اید؟ شما شلنگ آب خودتان را دارید، شیرآب را باز می کنید و شاید یک یا دو متر آب بالا بیاید. اما وقتی واقعاً بخواهید ماشین خودتان را با دقت اسپری و تمیز کنید لازم است عقب تر بروید.

اگر مثل من باشید، آخر شلنگ هم سرلوله نخواهید داشت و آنگاه انگشت شست تان را در انتهای لوله قرار می دهید و جلوی آب را می گیرید.

شما فکر می کنید که وقتی جلوی آن را بگیرید آب کمتر می آید اما دقیقاً برعکس است. وقتی



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

که آن آب را محدود می کنید، چون تحت فشار بیشتری است آب چهار یا پنج متر به بیرون پرتاب می شود و نسبت به وقتی که تحت فشار نیست خیلی دورتر می ریزد.

به همین صورت، وقتی که دشمنان شما را تحت فشار قرار می دهد، او فکر می کند که قرار است **شما را متوقف کند**، چیزی که او متوجه نیست این است که تنها کاری که او می کند این است که باعث می شود شما دورتر پرتاب شوید.

وقتی احساس محدود بودن کردید، وقتی با مخالفان روبه رو شدید، ناامید نشوید، آماده ی پرتاب شدن شوید. برای **مرحله جدید آماده** شوید، برای ارتقاء پیدا کردن آماده شوید. آن فشار نمی تواند شما را متوقف کند. آن شما را رشد می دهد.

وقتی که مسیح را می خواستند به صلیب بکشند، در باغ «جتسیمانی» زندانی بود. عیناً آن را ترجمه می کنم و آن یعنی محل پرس کردن آنجا یک باغ زیتون بود. تنها راهی که شما می توانید از زیتون روغن بگیرید این است که آن را پرس کنید.

بدون پرس کردن هرگز به روغن باارزش نمی رسید، اگر **هرگز تحت فشار** نباشید، هرگز ایمانتان را گسترش ندهید، تحمل و استقامت نکنید آنگاه هرگز گنج باارزشی را که خداوند درونتان قرار داده است را پیدا نمی کنید.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

جمعه، مسیح را به صلیب میخ کردند، فشار باورنکردنی است. شنبه به داخل قبر افتاد و با نیروهای تاریکی جنگید، محدود و محصور شده بود اما یکشنبه صبح، او از آن قبر بیرون پرید. مرگ نتوانست او را پایین نگه دارد.

یک پیام از رستاخیز، خداوند از دشمنان شما استفاده می کند تا شما را سعادتمند سازد. شاید امروز احساس محدود بودن و محصور بودن کنید، تحت فشار باشید، مثل اینکه دارید له می شوید، **امروز جمعه ی شماست**، نگران نباشید **یکشنبه در راه** است.

قرار است به جلو پرتاب شوید وقتی می بینید که خداوند شما را کجا می برد، به لطف و رحمت، ارتقاء پیدا کردن، سعادتمند شدن، شما به عقب نگاه می کنید و می گوئید خوب شد که من مورد رنج و آزار قرار گرفتم.

اگر حضرت «داوود» اینجا بود، او به شما می گفت خوب شد که «جالوت» سر و کله اش پیدا شد، مسیح می گوید: خوب شد که یهودا به من خیانت کرد، من می توانم بگویم که خوب شد آن مقام اجرایی بر علیه ما بود.



جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت و رشد شما هستند

شاید در آن لحظه راحت نباشد، اما یک روز می گوئید: این دشمن، من را شکست نداد، این دشمن، باعث رشد و پیشرفت من شد و حالا با ایمان بمانید، خداوند هوای شما را دارد او به فشار و سختی اجازه نمی دهد، مگر اینکه به نفع شما باشد.

شاید الان مثل جمعه به نظر برسد، اما من معتقدم و اعلام می کنم که یکشنبه در راه است.

شما قرار است قوی تر، سالم تر، ارتقاء یافته، حمایت شده و

با به سرانجام رساندن سرنوشت تان به جلو پرتاب شوید





جول اوستین

دشمنان شما باعث پیشرفت
و رشد شما هستند

اگر خوششان آمد و دوست داشتید فیلم تصویری این متن را هم ببینید
می توانید وارد آدرس زیر شوید:

<http://bplus۲۰۲۰.ir/product/joel-osteen-blessed-by-enemies>